

چگونه می توان معلومات خود را در راه درست بکاربرد؟

انتقال یادگیری - هرگاه ما بتوانیم معلومات یا مهارتهائی را که در مورد موضوعی یا موقعیتی خاص حاصل شده در موضوع یا موقعیت دیگری بکار ببریم انتقال یادگیری صورت گرفته. بعنوان مثال هنگامی که دختری از معلومات آشپزی که در مدرسه یاد گرفته برای پخت غذا در منزل استفاده کند به انتقال یادگیری دست زده است انتقال یادگیری تحت چه شرایطی حاصل می شود؟

۱ - زمانی که بین دو موضوع یا فعالیت اصول مشترکی موجود باشد.

۲ - زمانی که دانش آموز قادر باشد تشابهات بین دو موضوع یا فعالیت را درک کند. درک تشابهات به هوش و آمادگی ذهنی دانش آموز بستگی کامل دارد.

۳ - زمانی که یادگیرنده کاملاً با موضوع نخستین آشنائی لازم را پیدا کرده باشد. دانش آموز هر اندازه در کار نخست بیشتر تمرین داشته باشد مقدار انتقال در موضوعات بعدی برای او بیشتر خواهد بود.

۴ - زمانی که دانش آموز در یادگیری قواعد و اصول اولیه

# روانشناسی در خدمت معلم علا محسن ریاحی



بینش لازم را پیدا کرده باشد. بعنوان نمونه اگر دانش آموز نداند که بطور مثال اگر واژه هائی که به (ه) ساکن ختم می شوند هنگام آوردن (ی) و (ن) حرف (ه) این گونه واژه ها به (گ) تبدیل می شود ممکن است واژه های بندگی و بندگان را به غلط بندهگی و بندهگان بنویسد.

۵ - زمانی که برای انتقال یادگیری انگیزه لازم در کار باشد. بعنوان نمونه ممکن است دختری که خانه داری را می آموزد اصول این هنر را یاد بگیرد اما زحمت بکار بستن این اصول در خانه بستگی به این خواهد داشت که در چه علاقه او به خانه و خانواده تا چه حد باشد.

چگونه می توان در انتقال یادگیری به دانش آموز کمک کرد؟

معلم همیشه می تواند با برقراری ارتباط موضوع درسی با موضوعات دیگر و یا با آموختن قاعده های کلی در انتقال یادگیری به دانش آموز کمک کند. بهترین راه برای اینکار کمک به دانش آموز است تا او دریابد که چگونه می تواند معلومات یا مهارتهای کسب شده را به موضوعات دیگر انتقال دهد.

می توان به شیوه های زیر با تکیه

طرف چپ نگاه کند در اینجا عادت قدیم سلامت او را بمخاطره خواهد انداخت .

۲ - تعمیم های غلط - تعمیم غلط زمانی پیش خواهد آمد که دو موقعیت بظاهر یکسان داشته باشیم اما موقعیت دوم پاسخی بجز پاسخ موقعیت اول طلب کند . بعنوان نمونه اگر دانش آموزی هنگامی که یاد می گیرد خاموش و خاک رابا (خا) شروع کند بخواهد خواب و خواهر رانیز با (خا) بنویسد .

۳ - باز داری آینده و گذشته - هنگامی رخ می دهد که یادگرفتن موضوعی همزمان یا بی درنگ پس از یاد گرفتن موضوع مشابه دیگری رخ دهد . کسی که معمولا موتور - سیکلتی سوار می شود که دنده های آن بطرف پائین می خورد اگر موتوری سوار شود که دنده های آن بطرف بالا بخورد یادگیری قبلی مزاحم یادگیری جدید خواهد بود .

چگونه می توان از انتقال منفی جلوگیری کرد ؟

۱ - بدانش آموز فرصت دهیم تا موضوع نخست را بخوبی بیاموزد .

۲ - برای جلوگیری از تعمیم های غلط اختلافات مهم بین مطالب همانند را مشخص



موضوعات یا فعالیتهای دیگری نداشته باشد . در اینجا انتقالی صورت نمی گیرد . اما هرگاه انتقال معلومات یا مهارتی از موضوعی به موضوع دیگر با مانع برخورد داشته باشد انتقال منفی رخ خواهد داد . در موارد زیر ممکن است انتقال منفی صورت گیرد .

۱ - مزاحمت در عادت - بعنوان مثال کسی که عادت کرد هنگام عبور از خیابان نخست به سمت راست نگاه کند برایش مشکل خواهد بود در کشوری که اتومبیل ها از طرف چپ عبور می کنند نخست به

را عملی ساخت .  
۱ - مطمئن شد که شاگرد موضوعات پایه را بخوبی فرا گرفته .  
۲ - به دانش آموز کمک شود تا برای انتقال یادگیری آمادگیهای لازم ذهنی را پیدا کند . بعنوان مثال از دانش آموز خواسته شود تا بین موضوعات درسی جدید با موضوعات گذشته ارتباطات لازم را پیدا کند .

۳ - کمک شود تا دانش آموز در موضوعاتی که زمینه اساس یادگیریهای بعدی است بینش لازم را پیدا کند .

۴ - به دانش آموزان فرصت دهیم تا مسائل گوناگون را تجربه کنند .

۵ - به دانش آموزان تمرینات فراوانی در مورد انتقال یادگیری داده شود .

۶ - برای آموختن موضوعات درسی از طرح استفاده شود تا شاگردان بخودی خود ارتباط بین موضوعات مختلف را دریابند .

موارد یاد شده در مورد مهارتها یا معلوماتی بود که از یک موضوع بدست آمده و برای یادگیری موضوعات دیگر سودمند واقع می - شوند که این نوع انتقال را اصطلاحاً " انتقال مثبت می - نامند . گاهی ممکن است یادگیری یک موضوع یا فعالیت خاص تأثیر چندانی در یادگیری

سازیم .

۳ - قبل از شروع به آموختن مطالب و فعالیت‌های جدید توجه دانش آموزان را به عاداتی که احتمالا " ممکن است ایجاد مزاحمت نمایند جلب کنیم و دانش آموزان را واداریم تا با تمرین و تکرار فعالیت‌های جدید در ایجاد عادات صحیح توفیق پیدا کنند .

چگونگی ایجاد مفاهیم کلمات و معانی

علل بد فهمی‌ها

مفهوم یا تصور کلی عبارت است از طرحی ذهنی از یک رده یا طبقه از اشیاء . هنگامی که ما از شیئی معین طرحی ذهنی به وجود می آوریم صفات و خصوصیات آن شیء را در اندیشه خود مجسم می سازیم . لازم به تذکر است که مفاهیم یا صورتهای ذهنی تفاوت دارند . برای مثال هنگامی که از دانش آموزی می پرسیم آیا می توانی مدرسه ات را توصیف کنی ؟ او احتمالا تصویری از مدرسه اش در ذهن ایجاد می کند و به پاسخ گوئی سؤال مامی پردازد . اما اگر از او بپرسیم مدرسه یعنی چه ؟ احتمالا پاسخ خواهد داد مدرسه جایی است که برای یادگیری دروس بدانجا



چگونه مفاهیم ایجاد می شوند؟

نخستین مفاهیم بر مبنای تجربه حاصل می شوند . نمونه زیر شاهد مدعای ما خواهد بود .  
اگر بین لغات متداول زبان فارسی لغتی که نمایانگر نسوع حیوان شناخته شده ای مانند (سگ) نباشد ما مفهومی از این نوع حیوان در بین سایر حیوانات نخواهیم داشت .

می رویم . در این موارد او با گفتن خصوصیات اصلی مدرسه مفهومی صحیح به ما ارائه می دهد .

همانطور که مفاهیم اشیاء در ذهن ما ایجاد می شوند مفاهیم کیفیت ها نیز در ذهن ما ایجاد خواهند شد .

یکی از وظایف آموزش و پرورش توسعه بخشیدن به مفاهیم است . هنگامی که به تربیت افراد پرداخته می شود در اصل به آنها در تشکیل صحیح مفاهیم کمک خواهد شد .

چگونگی گسترش مفاهیم	درک صحیح مفاهیم نیستیم ؟	نداشته باشیم یا مطالب عرضه شده را درست درک نکرده باشیم نمی‌توانیم به مفهومی صحیح دست پیدا کنیم. بعنوان مثال اگر دانش آموزی به برادر کوچکتر از خود بگوید که زندگی درمدرسه شبانه روزی مانند زندگی در زندان است، ممکن است در ذهن برادر کوچکتر مفهوم غلطی از مدرسه شبانه روزی حاصل شود.
<p>هنگامی که دانش آموزان به تدریج از محیط خود تجربیاتی بدست می‌آورند نه تنها قادر به کسب مفاهیم تازه خواهند بود بلکه می‌توان گفت که آنان مفاهیم از پیش درک کرده خود را نیز گسترش خواهند داد. بعنوان نمونه دانش آموزی که همیشه در شهر زندگی کرده و هرگز فرصت دیدن گل‌های متنوع و رنگارنگ را نداشته مفهوم گل برای او مفهومی ضعیف خواهد بود، زیرا تصورات او محدود به همان چند گلی است که دیده است. اگر همین دانش‌آموز را به باغ گلی ببرند و انواع گل‌ها را به او نشان بدهند بر اثر دیدن نمونه‌های بیشتتری از خانواده گل‌ها مفهوم گل برای او وسعت می‌یابد. همین دانش‌آموز بخصوص اگر درباره صفات و خصوصیات گل‌ها اطلاعات زیادی نداشته باشد مفاهیم برای او سطحی خواهند بود اما هنگامی که در کلاس‌های گیاه‌شناسی شرکت کند معلومات بیشتری درباره ویژگی‌های بنیادی گل‌ها از قبیل چگونگی رشد و تکثیر بیاموزد مفهوم گل برای او عمیقتر خواهد شد.</p> <p>چگونگی ایجاد مفاهیم نادرست</p>	<p>۱ - مثالهای کم - بعنوان نمونه اگر دانش آموزی تنها پرنده‌ای را که دیده باشد طوطی سبز رنگی باشد، ممکن است این نظر را پیدا کند که واژه پرنده تنها به طوطی‌های سبز رنگ گفته می‌شود.</p> <p>۲ - اطلاعات نادرست - اگر در مورد موضوعی اطلاعات صحیح</p>	<p>۳ - دویپهلو بودن واژه‌ها - برخی از واژه‌ها در اغلب زبانها بیش از یک معنا دارند و این خود</p>
<p>چرا گاهی از اوقات قادر به</p>		



بقیه از صفحه قبل

مشکلی است برای درک مفاهیم صحیح.

۴ - معانی خاص واژه‌ها - بعضی از واژه‌ها برای عموم مردم معانی معین و شناخته شده‌ای دارند ولی ممکن است واژه‌ای برای برخی دیگر از افراد معانی متفاوتی داشته باشد که خود باعث ایجاد مفهومی غلط خواهد شد. داستان زیر نمونه‌ای از ایجاد این گونه مشکلات در درک مفاهیم نادرست است.

پسر کوچکی را که پدرش رفتار ظالمانه‌ای با او داشت نزد خانواده دیگری فرستادند که سرپرستی او را عهده دار باشند. افراد خانواده مسیحی بودند و هنگام صرف غذا دعائی می خواندند که با این عبارت شروع

می شد " ای پدر ما... ) چون واژه پدر برای کودک مفهومی ترسناک داشت از ادای این کلمه سرباز می زد. ناچار به او اجازه دادند دعای خود را با گفتن ( ای عموی ما... ) آغاز کند.

۵ - استدلالهای نادرست - برای نمونه دانش آموزی که بشنود یک ایرانی یک آسیائی است. ممکن است فکر کند هرکس آسیائی است اهل ایران است. (این گونه استدلالها که دارای بنیاد صحیح نیستند خود ایجاد مفاهیم نادرست می کنند.)

مفاهیم نادرست استدلالهای نادرست بدنبال دارند و گاهی از اوقات مفاهیم نادرست باعث می شوند که از افراد رفتارهای نامعقولی سرزند. بنابراین بر

معلمین واجب است که دقت نمایند تا دانش آموزان مفاهیم درست را بیاموزند. نکات زیر کمکی است برای آموزش مفاهیم صحیح.

۱ - سعی داشته باشیم بجای توضیح یک واژه با واژه دیگر از نمونه‌های عینی استفاده کنیم، تا بتوانیم برای دانش آموزان نمونه‌های مجرد و ذهنی را روشن سازیم. برای تشریح مفاهیم هر چه بتوانیم مثالهای بیشتری بزنیم دانش آموزان امکان بیشتری برای دست یابی به مفهوم درست خواهند داشت.

۲ - برای اینکه میزان فهم و درک دانش آموزان را ارزیابی کنیم آنان را وادار کنیم تا خود مثالهایی در زمینه مفهومیهای



مورد نظر بیان کنند. اغلب لازم است که دانش آموزان تعریف واژه‌های جدیدی را بیاموزند. اگر این تعاریف با مثالهای متعدد بخوبی تشریح نشوند این خطر وجود دارد که دانش آموزان بی آنکه تعریفی را بفهمند آنرا بیاموزند.

۳ - بسیاری از مفاهیم نادرست از بد فهمیدن کلام ناشی می‌شوند. هنگام بکار بردن واژه‌ها یا تعریف واژه‌ای باید دقت لازم را داشته باشیم. برای نمونه اگر بدانش آموزی بگوئیم که خردمندی مرواریدی پرارزش است. ممکن است این فکر در او ایجاد شود که خردمندی نوعی مروارید گرانبها است. این نوع عبارات باید کاملا

تفسیر شوند.

۴ - هنگام بکار بردن واژه‌های دوپهلوی باید کوشش داشت تا معنایی را که در موارد خاص بکار می‌روند برای دانش آموزان روشن کرد.

۵ - باید دقت کرد تا دانش آموزان واژه‌های روشن و دقیق را بکار ببرند. روش دانش آموز در توصیف اشیاء بی شک بستگی به تسلط او در زبان و میزان رشد او دارد.

گاهی از اوقات بعضی دانش آموزان واژه‌هایی بکار می‌برند که با سن و میزان رشد تطبیقی ندارد باید معنی پرسیده شود و در صورت لزوم کمک شود تا معنای واژه‌ها کاملا روشن شود.

۶ - انسانها گرایش به تعمیم امور و مسائل دارند. دانش آموزان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. باید تشویق به دقت نظر شوند. تفاوت بین "همه و بعضی" و "همیشه و گاهی" برایشان مشخص شود. بیشتر تعصبات نژادی و طبقاتی بواسطه تعمیمهای غلط بوجود آمده‌اند. باید به دانش آموزان تفهیم شود که آنچه در مورد برخی از طبقات مختلف یا نژادی خاص صادق است در مورد همه افراد آن طبقه صدق نخواهد کرد.



### بقیه از صفحه ۵۱

وَمَنْ أَعْبَرَ الْإِيمَانَ وَ كَانَ إِيْمَانَهُ مُسْتَوْدَعًا

همانا زبیر ایمانش عاریتی بوده است

درفرزی علی علیه السلام فرمود :

لَأَزَالَ الرَّبِيزُ مَعَانِي أَدْرِكَ فَرْخَهُ

زبیر همیشه با ما بود تا آنکه عبدالله

فرزندش بدنيا آمد .

در کتاب سفینه البحار مرحوم حاج شیخ

عباس قمی قدس سره از امام جعفر صادق چنین

نقل کرده است :

إِنَّ الْحَصْرَةَ وَالْتِدَامَةَ وَالْوَيْلَ كُلَّهُ يَمُنْ لَمْ

يَسْتَفِيعَ بِمَا آتَمَرَ وَمَنْ لَمْ يَدِرْ الْأَمْرَ الَّذِي هُوَ

عَلَيْهِ مُجِيبٌ أَنْفَعُ هُوَ لَهَا مَضَرٌّ قَالَ فَلَسْتُ فَبِمَ

يُعْرَفُ التَّاجِي ؟ قَالَ مَنْ كَانَتْ فِقْلَتُهُ

لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا " فَاتَّيْتُ لَهُ الشَّهَادَةَ بِالتَّحَاةِ وَمِنْ

لَمْ يَكُنْ فِقْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا " فَاتَّيْتُ ذَلِكَ مُسْتَوْدِعٌ

حسرت وندامت وپشیمانی از آن کسی است

که از آنچه بدان بینش پیدا کرده بهره و سودی

دریافت ندارد و همین طور حسرت وندامت از

آن کس است که نداند راهی را که انتخاب کرده

و بر آن پایدار است آیا برایش سود دارد یا زیان

آوراست. راوی گوید از امام جعفر صادق

علیه السلام پرسیدم چگونه می‌توان اهل

رستگاری را شناسائی کرد ؟

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

هر که کردارش مطابق با گفتار باشد گواهی می‌دهم که

او ازاهل نجات است و هر که کردارش مطابق گفتارش

نیاشد ، چنین کسی ایمانش عاریتی است .